



بررسی رابطه سبک دلبستگی مادر و شیوه‌های تنظیم هیجانی با اعتماد به نفس کودکان مدارس ابتدایی شهر ساوه

۱- انسیه مقابلی^۱ - فاطمه بیانفر

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه پیام نور، واحد سمنان

۲- دکترای روانشناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور، واحد سمنان

چکیده

هدف پژوهش بررسی رابطه سبک دلبستگی مادر و شیوه‌های تنظیم هیجانی با اعتماد به نفس کودکان مدارس ابتدایی شهر ساوه بود. جامعه آماری این پژوهش شامل دانش آموزان دختر و پسر ابتدایی شهر ساوه می‌باشد که تعداد آنها برابر با ۳۰۰۰ نفر بود. نمونه آماری این پژوهش به تعداد ۳۷۹ نفر بر اساس جدول مورگان به شیوه تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب گردید. شرکت‌کنندگان در پژوهش پرسشنامه سبک دلبستگی هازان و شیور (۱۹۸۳)، پرسشنامه اعتماد به نفس روزنبرگ (۱۹۸۹) و پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان گرنفسکی و همکاران (۲۰۰۱) را تکمیل نمودند. نتایج ضرایب همبستگی نشان داد بین سبک دلبستگی ایمن، دوسوگرا با اعتماد به نفس همبستگی وجود دارد، بین هوش معنوی و منبع کنترل درونی با سلامت روان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نیز نشان دادند که در پیش‌بینی سلامت روان به ترتیب منبع کنترل درونی و هوش معنوی نقش دارند. به علاوه، از میان مولفه‌های هوش معنوی (تفکر انتقادی، معناداری شخصی، هوشیاری متعالی و گسترش حالت هوشیاری)، تنها معناداری شخصی پیش بین سلامت روان است.

کلید واژگان: سبک دلبستگی، اعتماد به نفس، تنظیم هیجان.

مقدمه

دانش آموزان هر جامعه آینده ساز مملکت و جامعه خویش هستند و توجه به عوامل و متغیرهای روانشناختی لازم و ضرورت دارد. اگر دانش آموزان نتوانند مسائل روانشناختی خود را حل کنند از نظر تحصیلی هم سطح پایینی دارند. یکی از این متغیرها اعتماد به نفس می‌باشد. اعتماد به نفس نوعی نگرش است که به فرد اجازه می‌دهد دیدگاه واقعی و مثبتی نسبت به خود داشته باشد و سبب می‌شود فرد به توانایی‌های خود اعتماد کند و احساس کنترل بر زندگی داشته باشد (وانت و کلیتمن^۲، ۲۰۰۶). بنابراین یکی از نیازهای اساسی انسان‌ها در تمام مراحل زندگی داشتن میزان معینی از اعتماد به نفس

^۱Email: moghabeli_h@yahoo.com

^۲- Want, & Kleitman